

## تأثیر رعایت الگوهای روان‌شناختی اریک برن بر افزایش ادب زبانی و کاهش تهدیدات زبانی (با تکیه بر گفتگوهای فیلم زندگی مشترک آقای محمودی و بانو)

رؤیا رفیع‌زاده تفتی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی و مدرس دانشگاه  
royarafizadehtafti@gmail.com

چکیده

تحلیل تراکنشی اریک برن روشی برای قابل فهم کردن رفتارهای پیچیده بین انسان‌ها از طریق طبقه‌بندی حالات سه‌گانه خودآگاه فرد به والد، بالغ و کودک است. در این جستار به کمک هم‌خوانی روش تحلیل تراکنشی و با نظریات ادب زبانی که وضعیت کلام را از لحاظ حفظ و یا تهدید وجهه مخاطب آشکار می‌سازد، الگوهایی برای واکاوی تعامل‌های زبانی استخراج و معرفی شود. مطالعه موردی این جستار بر گفتگوهای فیلم «زندگی مشترک آقای محمودی و بانو» تأکید دارد که شواهدی مناسب از روابط کلامی همسران را فراهم می‌آورد. خودآگاه والد نسبت به دو دو حالت دیگر حاکمیت بیش‌تری بر شخصیت‌های فیلم دارد و از منظر کلی، شخصیت‌ها به استراتژی ادب زبانی سلبی گرایش دارند که ریشه آن را می‌توان فضای خانوادگی فیلم دانست. یافته‌ها نشان می‌دهد که بر اساس الگوی تحلیل تراکنشی اریک برن و نظریه ادب زبانی، می‌توان رابطه معناداری میان حالات کودک، والد و بالغ گوینده با وضعیت ادب زبانی او یافت. این جستار روشن می‌کند که حفظ وجهه مخاطب در حالات سه‌گانه مزبور هم‌سان نیست. استراتژی ادب مستقیم بسامد بالایی در خودآگاه والد آن‌ها دارد. این خودآگاه گرایش کمتری به استفاده از استراتژی‌های ضمنی و سلبی دارد که وجهه شنونده را بیش‌تر حفظ می‌کنند. تهدید هم‌زمان از نوع ایجابی و سلبی نیز تنها در حالت والد ملاحظه می‌شود. وضعیت والد به استفاده از تشدیدگرهای تهدید وجهه‌ای هم بیش از دو حالت دیگر رغبت دارد. از سوی دیگر، خودآگاه بالغ گرایش معناداری به استراتژی ادب ضمنی دارد که به بهترین صورت حفظ وجهه شنونده را تأمین می‌کند.

کلیدواژه‌ها: تحلیل تراکنشی، ادب زبانی، تهدید زبانی، فیلم زندگی مشترک آقای محمودی و بانو

دهمین همایش ملی پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی - دی ۱۳۹۹

مقدمه

انسان به عنوان موجودی اجتماعی نیازمند ارتباط با دیگران است و «زبان» یکی از مهم‌ترین و کارآمدترین ابزارهایی است که انسان‌ها برای ارتباط بین خود توسعه داده‌اند. هم‌زمان، در طول اعصار، پژوهش‌گران، خصوصاً محققان جامعه‌شناسی و روان‌شناسی تلاش کرده‌اند شیوه‌هایی را برای بهبود بخشیدن به روابط میان انسان‌ها کشف و به مردم معرفی کنند. بدین ترتیب، تلاش برای بهبود بخشیدن به روابط کلامی مردم را می‌توان از شاخص‌ترین کوشش‌های پژوهندگان در میان تمامی حوزه‌های دانش بشری دانست که موفقیت در آن، متضمن زندگی بهتر برای انسان‌ها خواهد بود.

از بُعد روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، تحلیل تراکنشی اریک برن مسیری روشن برای بازشناخت منشأ کنش‌های متقابل انسان‌ها را در اختیار می‌گذارد که در مطالعه روابط زبانی هم‌کارایی دارد. روش برن منظری را برای تحلیل‌های خود اختیار می‌کند که نه فقط به فرد و روان او، بلکه به جامعه و ظرفیت تأثیرگذاری جامعه بر فرد نیز توجه دارد. او معتقد است که می‌توان منشأ حالت‌های یک گوینده و در واقع «من» یا «خویشتن» او را در سه گروه، شامل حالت «والد»، حالت «کودک» و حالت «بالغ» جای داد. حالت والد وضعیتی است که در واقع گوینده از والدین خود آموخته است. او نگاهی از بالا به پایین نسبت به گوینده اتخاذ می‌کند. حالت کودک مجموعه‌ای از احساسات، نگرش‌ها و الگوهای رفتاری است که ریشه در دوران طفولیت فرد دارد. این‌ها در حالی است که حالت بالغ متکی بر نظارت و

خردورزی است. در این حالت، آن چه از حالت‌های والد و کودک در اختیار است بازبینی می‌شود تا از اعتبار آن‌ها اطمینان حاصل گردد. در صورت اعتبارمندی آن‌ها پذیرفته و در غیر این صورت رد می‌شوند.

از سوی دیگر، برخی جملات که در مکالمه‌های روزمره به کار می‌رود، خواسته یا ناخواسته تهدیدکننده و جهت‌شونده و یا حتی تهدیدکننده و جهت‌خود گوینده است. نظریات ادب زبانی بر این موضوع تأکید دارد و شگردهایی را معرفی می‌کند تا از تهدید پرهیز و یا از شدت تهدیدها کاسته شود.

مسئله‌ای که در این بین ذهن را مشغول می‌سازد، رابطهٔ محتمل میان حالت کودک، والد و یا بالغ خودآگاه فرد با حفظ و یا تهدید وجههٔ مخاطب است. به عبارت دیگر، کشف الگویی که بیان‌گر نسبت میان تهدیدزایی زبان با حالتی باشد که منشاء کلام است، گشایندهٔ دریچه‌ای نوین بر مطالعهٔ پیرامون روابط متقابل انسان‌ها در محیط زبان است.

جستار پیش رو برای تحقق چنین هدفی سامان یافته است. بدین منظور، شواهدی از گفتگوهای فیلم «زندگی مشترک آقای محمودی و بانو» را در بوتهٔ آزمایش نهاده و با هم‌خوانی روش برن و نظریات ادب زبانی در پی کشف چنین الگویی یرمی‌آیم که تکامل‌بخش هر دو حوزهٔ مذکور است. موضوع این شواهد عمدتاً پیرامون مسائل خانواده و بویژه تعامل زبانی همسران است.

**پرسش‌های تحقیق:** در این جستار تلاش خواهد شد ضمن هم‌خوانی آرای روان‌شناختی-جامعه‌شناسی اریک برن با نظریات ادب زبانی، مبتنی بر شواهدی از گفتگوهای فیلم مزبور، برای پرسش‌های ذیل پاسخ روشن ارائه شود:

**سؤال ۱:** بر اساس الگوی تحلیل تراکنشی اریک برن و نظریهٔ ادب زبانی، آیا می‌توان میان حالات کودک، والد و بالغ گوینده با وضعیت ادب زبانی او رابطهٔ معناداری معرفی کرد؟

**سؤال ۲:** در صورت مثبت بودن پاسخ، حفظ وجههٔ مخاطب در کدام‌یک از حالات معرفی شده در تحلیل تراکنشی برن بیش‌تر تحقق می‌یابد؟

**سؤال ۳:** کدامیک از حالت‌های کودک، والد و بالغ منشاء مهم‌تری برای ایجاد جمله‌های تهدیدکننده و جهت‌هستند؟

**سؤال ۴:** با توجه به حالات سه‌گانهٔ کودک، والد و بالغ، تهدید زبانی علیه شنونده یا حفظ وجههٔ او بر اساس چه الگوهایی شدت می‌یابد؟

**سؤال ۵:** کدام‌یک از حالات سه‌گانه بر شخصیت‌های فیلم حاکمیت بیش‌تری دارد؟ - دی ۱۳۹۹

**سؤال ۶:** کدامیک از استراتژی‌های ادب زبانی بالاترین بسامد را دارند؟ دلیل آن چیست؟

**سؤال ۷:** هر یک از تهدیدات زبانی سلبی و ایجابی در کدامیک از حالات سه‌گانه بیش‌تر ملاحظه می‌شود؟

### اهمیت و ضرورت تحقیق

اهمیت و ضرورت جستار پیش رو را از دو منظر می‌توان بحث کرد. نخست آن که پاسخ به پرسش‌های این پژوهش و معرفی الگوهایی که این جستار در پی کشف آن‌هاست، در اموری هم‌چون مشاورهٔ خانواده و کمک به حل و فصل بسیاری از مشکلات یاری می‌رساند؛ مشکلاتی که منشاء آن‌ها بیش از آن که در هر عامل دیگری باشد، ناشی از عدم دقت در چگونه سخن گفتن است. به عبارت دیگر، حاصل این جستار می‌تواند مشاوران خانواده را در امر روشن‌سازی همسران نسبت به ارزش ذاتی گفتگو و اهمیت مدیریت آن و در نظر داشتن جوانبی از گفتگو که گاهی مورد غفلت واقع می‌شود، یاری دهد. بعلاوه، روان‌شناسان را در مراحل روان‌کاوی و درمان کمک می‌کند. در کنار این‌ها می‌توان به کارایی حاصل این جستار در مدیریت و توسعهٔ سازمانی و خصوصاً امر آموزش و پرورش اشاره کرد.

دوم این که جستار حاضر در امتداد پژوهش‌های مبتنی بر نظریات ادب زبانی و تحلیل تراکنشی است. از این رو، می‌توان نتایج به دست آمده را مسیری جدید پیش روی محققان حوزهٔ زبان‌شناسی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی دانست که از طریق آن پژوهش‌های مکمل را پایه‌گذاری می‌کنند.

## ۱. پیشینه پژوهش

مبتنی بر جستجوهای پژوهش‌گر این جستار، هیچ تحقیقی ملاحظه نشد که مسائل محوری این مقاله، یعنی مطالعه تطابقی دو نظریه ادب زبانی و تحلیل رفتار متقابل برای کشف و معرفی الگویی از روابط حالت خودآگاه و تهدیدزایی زبان را بر عهده داشته باشد. با این حال، ادبیات جستار پیش رو در دو گروه اصلی و یک تحقیق جنبی مطالعه می‌شود که شامل مرتبط‌ترین پژوهش‌ها در باب نظریات تحلیل تراکنشی و نظریه‌های ادب زبانی با موضوع تحقیق حاضر است. در گروه سوم تنها یک پژوهش قرار دارد که درباره فیلم «زندگی مشترک آقای محمودی و بانو» است.

## ۱-۱ تحلیل رفتار متقابل

پژوهش‌هایی که پیرامون نظریات برن در باب تحلیل تراکنشی منتشر شده دو گروه هستند. بخشی از آن‌ها به فرآورده‌های هنری و یا ادبی مربوط نیست، لیکن از آن جهت که به مسائل جامعه‌شناختی مرتبط با روابط کلامی همسران پرداخته، برای ما اهمیت دارند، زیرا شواهد این تحقیق نیز در همین دایره می‌گنجد.

## ۱-۲ تحلیل رفتار متقابل از منظر جامعه‌شناسی

نوشادی و معتمدی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «اثربخشی آموزش گروهی تحلیل رفتار متقابل بر افزایش رضایت زناشویی (زنان متقاضی طلاق شهر بیجار)» اولاً بر اساس پژوهشی میدانی به این نتیجه رسیده‌اند که با کمک نظریه تحلیل تراکنشی در عمل می‌توان روابط میان زوج‌ها را اصلاح و تا حدی از طلاق ممانعت کرد و ثانیاً تحلیل رفتار متقابل را امری مستلزم آموزش به خانواده‌ها می‌دانند و از این بُعد، افزایش پژوهش‌های مرتبط با آن نیز در کارآمدتر کردن این نظریه در حل و فصل مسائل و مشکلات خانواده‌ها مؤثر است (۹۰-۹۱). هم‌چنین، مقاله «بررسی اثربخشی آموزش روی‌کرد تحلیل رفتار متقابل بر تمایز خویشتن و عمل‌کرد خانواده در زوج‌های شهر اصفهان» توسط عطایی و حیدری (۱۳۹۶) انجام شده است. آن‌ها دریافته‌اند که آموزش تحلیل رفتار متقابل روشی کارآمد برای تمایز خویشتن کودک، والد و بالغ فرد که روابط متقابل همسران، از جمله تعاملات زبانی آن‌ها را بهبود می‌بخشد. این محققان می‌گویند که خویشتن کودک یا والد افراد جزو عوامل اصلی تعارض‌های همسران است و می‌توان از این حالات به خود بالغ رسید، حال آن که این عمل معادل سرکوب کردن احساسات فرد نیست، بلکه اصلاح نگرش و در نتیجه تغییر احساس است که به نوبه خود موجب اصلاح کنش‌های متقابل و زمینه‌ساز هم‌زیستی مسالمت‌آمیز می‌شود (۱۲۴-۱۲۵). نیز، دربانی (۱۳۹۸) در مقاله «اثربخشی تحلیل رفتار متقابل در مقایسه با خانواده‌درمانی راهبردی کوتاه مدت بر تعارض‌های کلامی، غفلت و سوء رفتار زوج‌ها» نتیجه گرفته است که هر دو روش «تحلیل رفتار متقابل» و «خانواده‌درمانی راهبردی کوتاه مدت» موجب کاهش تعارض‌های کلامی، غفلت و سوء رفتار می‌شود و می‌توان از آن‌ها برای حل و فصل تعارضات فی‌مابین زوج‌ها بهره برد (۳۴۸).

تعدد جستارهایی که در این حوزه انجام شده شاهد اهمیت این موضوع در مطالعات جامعه‌شناختی است. نیز شاهد مؤثر بودن پژوهش‌های این حوزه بر بهبود رفتار متقابل اجتماعی و در نتیجه ارتقای جامعه است. برخی از این دست پژوهش‌ها که یافته‌های قابل توجهی دارند، بدین قرار هستند: فتوحی بناب و همکاران (۱۳۹۰) «اثربخشی زوج درمان‌گری شناختی-رفتاری، اسلامی و تحلیل رفتار متقابل بر خودشناسی زوج‌های ناسازگار»، صادقی و همکاران (۱۳۹۲) «بررسی تأثیر آموزش به شیوه تحلیل رفتار متقابل بر سبک‌های عشق‌ورزی زوجین»، سودانی و همکاران (۱۳۹۲-الف) «تأثیر آموزش تحلیل رفتار متقابل بر بهزیستی روان‌شناختی و خودشناسی زنان متأهل»، سودانی و همکاران (۱۳۹۲-ب) «اثربخشی آموزش تحلیل رفتار متقابل بر افزایش عمل‌کرد زوج‌های ناسازگار»، علامه و همکاران (۱۳۹۳) «تأثیر آموزش گروهی تحلیل رفتار متقابل بر شادکامی مردان متأهل مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره و فرهنگ‌سراها»، نوروزپور و همکاران (۱۳۹۳) «تأثیر آموزش تحلیل رفتار متقابل بر تعدیل کمال‌گرایی مادران با توجه به سبک فرزندپروری»، عطادخت و همکاران (۱۳۹۴) «اثربخشی آموزش گروهی تحلیل رفتار متقابل در افزایش انعطاف‌پذیری شناختی و ارتقای عمل‌کرد خانواده در زنان دارای اختلافات زناشویی»، صدیقی و همکاران (۱۳۹۵)

«اثربخشی گروه‌درمانی تحلیل رفتار متقابل بر بهبود الگوهای ارتباطی زوجین»، احمدوند و روستایی علی‌شاه (۱۳۹۶) «اثربخشی آموزش روش تحلیل رفتار متقابل بر بهزیستی روان‌شناختی و کیفیت زندگی زنان»، دانشمند گل‌آینه و همکاران (۱۳۹۷) «اثربخشی تحلیل رفتار متقابل بر رضایت زناشویی افراد دارای اختلاف زناشویی».

### ۱-۳ متون ادبی در بوته تحلیل رفتار متقابل

بخش دوم این قسمت از پیشینه تحقیق شامل معدود جستارهایی است که در باب تحلیل رفتار متقابل است و در عین حال، با توجه به برخی متون ادب انجام شده است. رضی و حاجتی (۱۳۹۱) در مقاله مشترک خود با عنوان «تحلیل رفتار متقابل شخصیت‌ها در داستان شیر و گاو از کلیله و دمنه» دریافته‌اند که روابط میان شخصیت‌ها دارای نوعی پیوستگی است. این روابط در آغاز مکمل یکدیگر و سازنده هستند، اما با جلو رفتن داستان تعامل متقاطع که موجب اختلال در تراکنش‌ها می‌شود، رخ می‌دهد. بعلاوه، از میان حالت‌های سه‌گانه‌ای که برن معرفی می‌کند، بسامد حالت بالغ بیش از والد و کودک است و فراوانی حالت والد از کودک بیش‌تر است. دمنه در نقش ضدقهرمان اغلب حالت والد دارد که گاهی بیمارگونه می‌شود (۵۴). رزی‌فام و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل رفتار متقابل جنبه بالغ و والد در شخصیت‌های داستانی مثنوی براساس نظریات اریک برن» به این نتیجه رسیده‌اند که به نظر مولوی، شنونده در حالی که از مشورت روی برنمی‌تابد، تقلید کورکورانه و پذیرش بی‌قید و شرط نظرات گوینده را (که نمود حالت والد اوست)، ویژگی یک انسان کامل نمی‌داند. به همین اعتبار، مطابق نگرش مولوی «هرگاه بالغ توانسته است کودک را طوری با تعالیم والد آشتی دهد که خود را اسیر والد نکند، می‌تواند به تعالی برسد» (۱۵۱). رنجبر و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای ذیل عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی نفته‌المصدر بر اساس نظریه کنش متقابل نمادین» دریافته‌اند که زیدری با نمایش رفتار متقابل افراد در جامعه‌ای رو به افول، از این کنش‌ها به صورتی نمادین بهره گرفته و معتقد است که تقابل شخصیت‌ها که اغلب در روابط کلامی هم ملاحظه می‌شود، خود به علت وضعیت پریشان جامعه است (۷۸-۷۹). به نظر می‌رسد جامعه‌ای که رنجبر و همکاران او در توصیف‌های زیدری یافته و تحلیل کرده‌اند می‌تواند به شکل نمادین خانواده‌ای را تصویر کند که سازه‌های اصلی آن در حال فروپاشی است. در این صورت شخصیت‌های تعامل‌کننده در نفته‌المصدر را می‌توان با شخصیت‌های همسران در خانواده‌ای که به سوی طلاق پیش می‌رود قیاس کرد و نیز می‌تواند به مجاز، حکایت مشکلات خانواده‌ای را بیان کند که در داستان فیلم «زندگی مشترک آقای محمودی و بانو» نمایش داده می‌شود.

www.anjomanfarsi.ir

### ۱-۴ ادبیات در بوته ادب زبانی

قسمت دوم پیشینه به بررسی جستارهایی اختصاص دارد که با توجه به نظریه‌های ادب زبانی انجام شده‌اند. این پژوهش‌ها در دو دسته ایرانی و خارجی مرور می‌شوند.

### ۱-۵ ادبیات فارسی از منظر ادب زبانی

آثار پژوهشی به زبان فارسی بدین قرارند: طیب (۱۳۸۱) در مقاله خود با عنوان «ریشه‌های گفتمان‌شناسی در ادب پارسی» پس از انطباق نظریات همکاری در گفتمان بر متون ادب پارسی، رعایت ادب زبانی از منظر گرایس را به عنوان یک اصل تلقی کرده و ابتدا شش شعار گرایس برای رعایت ادب زبانی را با شواهدی از شعر پارسی مطالعه کرده است. این شعارها عبارتند از «لطف» (kindness) یعنی به حداقل رساندن زحمت برای طرف مقابل، «بذل» (generosity) یعنی راحت خود را به حداقل رساندن، «تمجید» (approbation)، یعنی نقد کردن طرف مقابل را به حداقل رساندن، «تواضع» (modesty) یعنی تمجید خویشان را به حداقل رساندن، «وفق» (agreement) یعنی به حداقل رساندن اختلافات با طرف مقابل و نهایتاً «رفق» (sympathy) یعنی مخاصمه بین خود و طرف مقابل را به حداقل رساندن (۵۸-۵۹). سپس جنبه‌های مختلف وجهه (face) را با بیانی ساده تعریف می‌کند: «وجهه مثبت» یا «وجهه ایجابی» (Positive face) یعنی علاقه فرد برای دوست داشته شدن، «وجهه منفی» یا «وجهه سلبی» (Negative

face) یعنی علاقه به آزادی عمل، وجهه مثبت ادب یعنی راهبرد گوینده برای رابطه مثبت با شنونده، وجهه منفی یعنی راهبرد گوینده برای به حداقل رساندن تهدید علیه وجهه شنونده. وی نظریات گرایس و براون-لوینسون را در تطابق با یکدیگر و مناسب برای بررسی روابط متقابل کلامی در متون ادب فارسی می‌داند (۶۴-۶۶). نادر جهانگیری (۱۳۸۷)، «گونه‌های احترام، سلطه و همبستگی در زبان فارسی» را با نگرشی تاریخی مطالعه کرده است. قدسی و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی متن نامه مسعود غزنوی به ارسلان‌خان در تاریخ بیهقی با روش تحلیل گفتمان انتقادی» شواهدی از ظرفیت زبان فارسی برای به کارگیری هم‌زمان اصول ادب زبانی و القای قدرت‌مندی گوینده نسبت به شنونده را بررسی می‌کند (۹۰). رحمانی و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله «بررسی تطبیقی ادب و بی‌ادبی در رمان طبقه هفتم غربی و فیلم بوی خوش زن» به ظرفیت‌های زبان برای دوقطبی کردن سخن از جهت مؤدبانه و یا بی‌ادبانه بودن کلام گوینده پرداخته و آن را حاکی از شخصیت دوگانه گوینده می‌داند که مستقیماً با فرهنگ اجتماعی‌ای در ارتباط است که فرد به آن تعلق دارد (۲۰۶-۲۰۷). پورسیاه (۱۳۹۵) در رساله دکتری خود با عنوان: «ادب و ساز و کار وجهه در بافت فرهنگی-اجتماعی دانشگاهی در زبان فارسی: پژوهشی بر گفتار-کنش انتقاد» نظریات ادب زبانی را بر پایه مطالعات میدانی مطالعه کرده است. رحمانی و همکاران (۱۳۹۵) با مقاله «ادب و بی‌ادبی در رمان‌های نوجوانان فارسی‌زبان» با بررسی تعدادی از رمان‌ها نشان داده‌اند که شخصیت‌های نوجوان این داستان‌ها در برخورد با هم‌سالان خود کمتر از استراتژی‌های ادب زبانی بهره برده‌اند، حال آن‌که در تعامل با بزرگسالان کاربرد این استراتژی‌ها افزون می‌شود (۸۴).

#### ۱-۶ پژوهش‌های ادب زبانی به زبان انگلیسی

آثار تحقیقی به زبان انگلیسی بدین قرار هستند: لانگشو آستین (۱۹۶۲) چگونه با لغات کار انجام دهیم؟، گوفمن (۱۹۶۷) «فعل و انفعال در تشریفات: مقاله‌ای در رفتار رو در رو»، لیکاف (۱۹۷۳) منطق ادب زبانی یا دقت در پرسش و پاسخ، فریجدا (۱۹۸۶) احساسات، بیمن (۱۹۸۶) کتابی با عنوان زبان، جایگاه و قدرت در ایران، براون و لوینسون (۱۹۸۷) کتاب برخی جهانی‌ها در کاربرد زبان، کیث و بوریح (۱۹۹۱) کتابی با عنوان یوفیوزم و دیفمیزم، راوسون (۱۹۹۵) فرهنگنامه یوفیوزم و سایر دگرزبانی‌ها، فولی (۱۹۹۷) مقدمه‌ای بر زبان‌شناسی انسان‌شناختی، ریزمیلر (۲۰۰۰) مقاله «قدرت، جدیت، و محیط مخالفت»، گینو (۲۰۰۱) نقدهی بر نظریه ادب، عموزاده (۲۰۰۱) «ادب در زبان فارسی»، کلیمن (۲۰۰۲) مقاله «مخالفت و شخص ثالث: معمای غامض بی‌طرفی در چهارچوب مصاحبه‌های خبری»، هولدر (۲۰۰۳) چگونه آنچه را منظور دارید، نگویید: فرهنگنامه یوفیوزم، هریس (۲۰۰۷) ادب و قدرت در فرهنگ آلمانی، اسپنسر اوتی (۲۰۰۸) وجهه: ادب، بی‌ادبی و مناسبت.

#### ۱-۷ تحقیق درباره زندگی مشترک آقای محمودی و بانو

به عنوان تکمله سخن از پیشینه تحقیق یادآور می‌شویم که فیلم «زندگی مشترک آقای محمودی و بانو» پیش از این نیز منبع شواهدی پژوهشی بوده است، اما موضوع اصلی آن پژوهش بکلی متفاوت از جستار حاضر است. خادم‌الفرقایی و کیان‌پور (۱۳۹۵) در مقاله «تحلیل گفتمان فیلم زندگی مشترک آقای محمودی و بانو با تمرکز بر داغ ننگ ناشی از تقابل سنت و مدرنیته» گفتگوهای این فیلم را از بُعد اجتماعی بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که سه مؤلفه شامل «ساختار شکنی زن مدرن»، «عدم پذیرش زن مدرن از سوی سنت» و «برچسب‌زنی بر زن مدرن از سوی سنت» به ترتیب عواملی هستند که موجب داغ ننگ (stigma) خوردن زن می‌شوند (۴۵۱). در پژوهش مزبور با اشاراتی به مباحث ادب زبانی از آن عبور شده است.

#### ۱-۸ روش و مسیر پژوهش

داده‌های این جستار با مطالعه منابع کتابخانه‌ای فراهم می‌آید. سپس این داده‌ها به روش تحلیل و توصیف و مقایسه بررسی می‌شود. مسیر تحقیق چنین است: ابتدا تمامی مکالمه‌های فیلم «زندگی مشترک آقای محمودی و بانو»

پیاپی سازی می‌شوند. این گفتگوها توسط پنج شخصیت انجام می‌شوند. اسم این شخصیت‌ها، نشان‌گر هریک در این تحقیق و نقش آن‌ها در فیلم عبارتند از محدثه: همسر آقای محمودی (م)، منصور محمودی شوهر محدثه است (ش)، نگین: تنها فرزند زوج مزبور (ن). این سه اعضای یک خانواده هستند که در خانه قدیمی شان زندگی می‌کنند. ساناز: دختر خواهر محدثه و معمار ساختمان است (س). او برای بازسازی خانه محمودی‌ها دعوت شده است. رامتین: به ظاهر همسر موقت ساناز است (ر) هرچند رابطه همسری میان ایشان هرگز اثبات نمی‌شود. آن‌ها فقط با هم زندگی می‌کنند، همین.

از بررسی مجموعه مکالمه‌های فیلم نهایتاً ۱۵۸ مورد که قابلیت تحلیل تراکنشی و مطالعه وضعیت ادب زبانی را داشتند، استخراج می‌شود. ملاک استخراج شواهد مزبور آن است که روی سخن گوینده به صورت‌های مستقیم، ایجابی، سلبی و یا ضمنی متوجه شنونده باشد. معیار آغاز و پایان هر شاهد کامل شدن جمله نیست، بلکه کامل شدن مطلبی است که گوینده در پی بیان آن است. از این رو، برخی از این شواهد فقط از یک جمله و برخی دیگر از دو یا چند جمله که مجموعاً مطلب واحدی را بیان می‌کنند، شکل گرفته‌اند.

سپس برای هر یک از شواهد مؤلفه‌های متعددی از جمله گوینده، شنونده، منشاء کودک، والد و یا بالغ آن، وضعیت تهدیدزایی و استراتژی ادب زبانی به کار رفته تعیین گردید. حالات کودک، والد و بالغ هر شاهد با توجه به معیارهای اریک برن تعیین می‌شود؛ یعنی چنان چه مبنای مطلب آن باشد که «من خوب نیستم، شما خوب هستید» یا «من خوب نیستم، شما خوب نیستید» به منشاء کودک گوینده (K) نسبت داده شد. چنان چه مبنای مطلب آن باشد که «من خوب هستم، شما خوب نیستید» به منشاء والد (V) و اگر مبنای آن این باشد که «من خوب هستم، شما خوب هستید» به منشاء بالغ (B) وی نسبت داده می‌شود.

برای مثال، وقتی رامتین احساس می‌کند که روش زندگی محدثه بهتر از ساناز (یعنی کسی است که او برای همسری خویش برگزیده) و به او می‌گوید: «کاش همه زن‌ها مثل شما بودن، دلت صافه» و یا آن‌جا که نگین پدرش را آگاه‌تر از خود می‌یابد و با این جمله که «بابا من چرا این قدر بدبختم؟» به دنیال یافتن راه حل مشکل خویش نزد پدر است. در این موارد مبنای «من خوب نیستم، شما خوب هستید» یعنی کودک شخصیت است. همچنین، وقتی ساناز به آقای محمودی می‌گوید: «تو از خاله راضی نیستی، خاله از تو راضی نیست، من از رامتین راضی نیستم، رامتین از من راضی نیست. هیش‌کی از هیش‌کی راضی نیست.» وضعیت «من خوب نیستم، شما خوب نیستید» پدیدار شده که باز هم حکایت از منشاء کودک گوینده دارد.

در شرایط دیگر، مثلاً آقای محمودی ضمن استدلال مبنی بر این که بیش از همسر خود محدثه، می‌فهمد، به او می‌گوید: «[شما] توی اجتماع نبودین». چنین شواهدی مثال‌های بارز «من خوب هستم، تو خوب نیستی» و حاکی از منشاء والد گوینده است و برای مثال، آن‌جا که ساناز به رامتین می‌گوید: «بیا مثل دو تا آدم متمددن دو تا آدم حسابی کار این‌ها را راه بندازیم.» شاهد وضعیت «من خوب هستم، شما خوب هستید» شکل می‌گیرد که منشاء کلام بالغ گوینده است.

با این همه نمی‌توان به سادگی همه جملات و سخنانی را که شخصیت‌ها بیان می‌کنند به یکی از سه حالت مزبور ربط داد، بلکه اغلب باید به زمینه (context) نیز توجه کرد. در چنین وضعیتی معیارهایی وجود دارد که در تشخیص حالات به محقق کمک می‌کند. مثلاً این که آیا خطاب گوینده به شنونده از موقعیتی بالاتر (منشاء والد) یا پایین‌تر (حالت کودک) واقع می‌شود، یا گوینده به جای برتری (از موضع بالغ) استدلال و منطق و خرد و موقعیت برابر انسان‌ها به مسأله نگاه می‌کند (هریس، ۱۳۸۹).

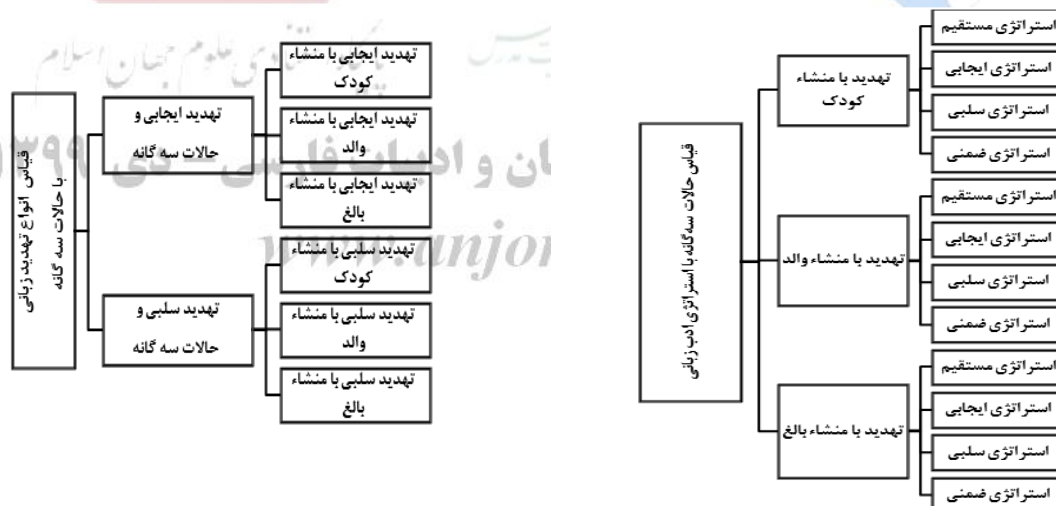
از سوی دیگر، سنجه‌های پایه‌ای برای تشخیص تهدید و تعیین نوع سلبی و یا ایجابی آن از قبل در اختیار است. ملاک تشخیص «تهدید سلبی» (S) محدود کردن آزادی شخصی شنونده در انتخاب، یا آزادی او در عمل و یا تحمیل اراده گوینده بر شنونده است، حال آن که مبنای تشخیص دادن مواردی که حاوی تهدید ایجابی (I) است، نمایان

بودن برخی جنبه‌های تسلط، مالکیت، آرزوها و ویژگی‌های شخصیتی، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم است. اشاره به در اشتباه بودن مخاطب، دوست‌داشتنی نبودن او، غیرمنطقی و یا گمراه بودن شنونده و نیز سردی و بی‌اعتنایی گوینده نسبت به حال و اوقات خوش مخاطب از این جمله هستند (نصرتی، ۱۳۹۱).

همچنین، سنجه‌های پایه‌ای برای تشخیص استراتژی ادب زبانی را هم در اختیار داریم. «استراتژی ادب زبانی مستقیم» (M) از عدم اقدام گوینده برای کاهش تهدید، خصوصاً در جملات امری او هویداست که گاهی همراه تشدیدگرها رخ می‌دهد. «استراتژی ادب زبانی ایجابی» (I) را می‌توان از اشاره گوینده به حس هم‌کاری و هم‌دردی وی با شنونده و جلب توافق و پذیرفتن برخی مقاصد شنونده دریافت. «استراتژی ادب زبانی سلبی» (S) نیز در آینه استفاده از روساخت سؤالی برای زیرساخت امری جملات و یا کاهش شفافیت مطلب با استفاده از جملات مجهول یا گزاره‌های قواعد کلی آشکار می‌شود که معمولاً با به کارگیری تعدیل‌گرها نمایان می‌شوند. نهایتاً «استراتژی ادب زبانی ضمنی» (Z) را می‌شود از تلاش گوینده برای پرهیز از هرگونه تحمیل به شنونده، به وسیله گریز زدن به نظرات و یا تقاضاهای خود در اثنای سخن تشخیص داد (براون و لوینسون، ۱۹۸۷).

طبقه‌بندی مطالعات به این صورت است که انواع تهدید زبانی با حالات سه‌گانه مورد نظر اریک برن سنجیده می‌شود. ابتدا تهدیدها در دو گروه ایجابی و سلبی تقسیم می‌شوند. سپس هر یک از این دو نوع تهدید به حالات کودک، والد و بالغ گوینده مطابقت داده شده و دسته‌بندی می‌شود (ن.ک. نمودار ش ۱)

برای تعیین نوع استراتژی ادب زبانی با حالات شخصیت، ابتدا منشاء کودک، والد و یا بالغ تهدید (چه ایجابی و چه سلبی) در نظر گرفته شده و سپس هر یک از این طبقات مبنی بر استراتژی ادب زبانی مستقیم، ایجابی، سلبی و یا ضمنی در یک الگوی چهار قسمتی بررسی می‌شوند (ن.ک. نمودار ش ۲). در نهایت با توجه به فراوانی هر مورد مقایسه‌ها و نتیجه‌گیری انجام می‌شود.



نمودار ش. ۱: قیاس انواع تهدید زبانی با حالات سه‌گانه

نمودار ش. ۲: قیاس حالات سه‌گانه با استراتژی ادب زبانی

## ۲. مبادی جستار

در این قسمت ابتدا دو مفهوم بنیادی «اریک برن و تحلیل تراکنشی» و «نظریه ادب زبانی» را که زمینه‌ساز ورود به بخش تجزیه و تحلیل داده‌هاست، به طور موجز تعریف می‌کنیم. سپس، به منظور آشنایی با بستری که شواهد این جستار در آن شکل گرفته، فیلم «زندگی مشترک آقای محمودی و بانو» را معرفی خواهیم کرد.

## ۱-۲ برن و تحلیل تراکنشی

اریک لنارد برن (Eric Lennard Bernstein) روان‌پزشک متولد کانادا است (۱۹۱۰-۱۹۷۰م). که برای تحصیل به آمریکا رفت. او یک نظام روان‌کاوی را معرفی کرد که شیوه‌ای روشن برای مربوط ساختن مطالعات روان‌شناختی و روان‌درمانی به حوزه جامعه‌شناسی است و معمولاً به عنوان تحلیل تراکنشی (transactional analysis) شناخته می‌شود. این روش الگویی ساده و کارآمد برای دسته‌بندی روابط زبانی میان انسان‌ها را در اختیار می‌گذارد.

نظام‌های روان‌شناختی را می‌توانیم در سه گروه بررسی کنیم. یک گروه تابع نگرش و روش زیگموند فروید (Sigmund Freud) و پیروان او هستند که آثار هنری-ادبی را به مثابه یک ابزار و شاعر و نویسنده و هنرمند را به عنوان یک بیمار تصور می‌کند و اثر هنری یا ادبی را محل ظهور روان آشفته خالق آن و زمینه‌ای برای گفتگوی روان‌درمان (پژوهش‌گر) با بیمار روانی (نویسنده و شاعر و هنرمند) می‌دانند. گروه دوم روش کسانی مانند کارل گوستاو یونگ (Carl Gustav Jung) و آلفرد آدلر (Alfred Adler) است که نگرش فردگرا و منحصر به جهان متن نیست. آن‌ها متن ادبی و یا اثر هنری را حاصل فعالیت و بازتاب ناخودآگاه فردی و جمعی نویسنده یا خالق اثر می‌دانند و محصول ادبی یا هنری را تقریباً مستقل از تولیدکننده آن بررسی می‌کند؛ یعنی نویسنده و هنرمند را از مریض‌خانه روانی فروید بیرون کشیده و به جامعه بازمی‌گردانند (لوبون، ۱۳۹۱) گروه سوم که برن به همراه روان‌پژوهانی هم‌چون گوستاو لوبون (Gustave Le Bon)، اریک فروم (Erich Fromm)، ویکتور فرانکل (Viktor Frankl) و هری استاک سولیوان (Harry Stack Sullivan) در آن هستند، هنرمند، نویسنده، شاعر و متن ادبی یا اثر هنری آن‌ها را در ارتباط با جامعه‌ای مطالعه می‌کنند که مؤثر بر شکل گرفتن آن بوده است (زری فام و همکاران، ۱۳۹۷).

اریک برن معتقد است که اولاً هر فرد بالغ به هر حال دوره کودکی را سپری کرده است. ثانیاً انسان‌هایی که بافت مغزی فعال کافی دارند، بالقوه می‌توانند واقعیت را بیازمایند و سوم این که هر فرد بالغ والدینی داشته است. او بر همین مبنا سه اصل را پایه‌گذاری می‌کند: الف) در سنین بزرگسالی آثار و بقایای دوران کودکی از بین نمی‌رود، بلکه به شکل حالات خویشتن کامل باقی می‌ماند که به آن «آثار روانی قدیمی» گفته می‌شود. ب) آزمودن واقعیت یک توان جدای از شخصیت نیست. این ویژگی‌ای است که «کارکرد روانی جدید» می‌نامند. پ) فردی که اقدام به تصمیم‌گیری می‌کند ممکن است تحت تأثیر و تسلط کامل خویشتن دیگر خود باشد (برن، ۱۳۸۹). وی از این پیش‌فرض‌ها سه حالت برای «من» یا «خویشتن» تصور می‌کند: «والد» آموزه‌هایی است که انسان در پنج سال نخست زندگی از رفتار والدین خویش می‌پذیرد و شامل آموزه‌هایی از جنس باید‌ها و نبایدها، سنن و ارزش‌ها، شیوه زندگی و چگونگی تعامل با دیگران برای پذیرفته شدن و تشویق شدن است. «کودک» همان غریزه و نیازهای طبیعی است؛ ویژگی‌هایی که به ارث می‌بریم و نمودی هم‌چون درک متعادل و هم‌اندازه لذت و غم دارد. کودک نمود آرزوها و منبع انگیزش است. «بالغ» حالتی است که از دوران نوزادی شروع به شکل گرفتن می‌کند و از حدود ده‌ماهگی فعال می‌شود. این «من» در باب کودک و والد ما داور می‌کند و نتایج آن را به کار می‌گیرد. بالغ داده‌های قدیمی ذهن و روان ما را مجدداً بررسی می‌کند تا از معتبر بودن آن‌ها مطمئن شود. سپس داده‌ها را بایگانی می‌کند تا شاید باز هم در آینده به کار آیند (هریس، ۱۳۸۹).

بر پایه آرای برن، چهار حالت رشد کودک متصور است: الف) «من خوب نیستم، شما خوب هستید»: این حالت کودک ارتباط مستقیم با نوازش‌ها و حمایت‌هایی دارد که دریافت می‌کند. ب) «من خوب نیستم، شما خوب نیستید»: این حالت مرتبط است با شرایطی که از یک سالگی به بعد برای کودک به وجود می‌آید. او دیگر حمایت‌ها را به شدت سابق دریافت نمی‌کند، بلکه گاهی برای اشتباهاتش تنبیه می‌شود. چنان‌چه این وضعیت تا ده سالگی تسکین نیابد، طفل به این نتیجه می‌رسد که «من خوب نیستم، شما خوب نیستید». پ) «من خوب هستم، شما خوب نیستید»: این حالت سوم است و در امتداد وضعیت دوم تعریف می‌شود؛ یعنی اگر عدم دریافت نوازش از یک سو و دریافت تنبیه از سوی دیگر ادامه یابد، آن‌گاه وضعیت جنایی رخ می‌دهد و فرد نتیجه می‌گیرد: «من خوب هستم، شما خوب نیستید».



د) «من خوب هستم، شما خوب هستید»: وضعیتی است که در آن والدین با ابراز محبت و نشان دادن حمایت، کودک را متوجه می‌سازند که وضعیت نخست توهم بوده، زیرا او و والدینش هر دو خوب هستند. سه وضعیت نخست مبنی بر احساسات است، ولی وضعیت چهارم حاصل تفکر، ایمان و تصمیم فرد برای اقدام‌های مهم است (هریس، ۱۳۸۹). از آن‌جا که در ادامه جستار حاضر هم‌گرایی نگرش‌های مربوط به رفتارهای متقابل با نظریات ادب زبانی بررسی می‌شود، نظریات ادب زبانی را نیز به صورت موجز تعریف می‌کنیم.

## ۲-۲ نظریه ادب زبانی

بحث از ادب زبانی (lingual politeness) در زمره مباحث «زبان‌شناسی اجتماعی» (Sociolinguistics) است. زبان‌شناسی اجتماعی دانشی است که تأثیر عوامل اجتماعی بر ویژگی‌ها و الگوهای زبانی را مطالعه می‌کند (داد، ۱۳۷۸). آن چه ادب زبانی در پی آن است مدیریت کردن تعاملات اجتماعی است که از مسیر کلمات برقرار می‌شود (اسپنسر و اوتی، ۲۰۰۸). همان‌گونه که پیش از این اشاره شد، جان لانگشاو آستین (John Langshaw Austin) فیلسوف اهل انگلستان (۱۹۱۱-۱۹۶۰ م.) با نظریه «کنش گفتاری» (speech act) و نشان‌گرهای آن (makers) از منظر خویش به موضوع پرداخته است (آستین، ۱۹۶۰).

روبین لیکاف (Robin Lakoff) مفهوم «وجهه» (face) را به این حوزه وارد کرد و آن را ضرورت توجه به موقعیت کلی مکالمه و پیروی از قواعدی خاص برای ملاحظه شأن اجتماعی گوینده و شنونده معرفی کرد (لیکاف، ۱۹۷۳). پیش از این در بخش پیشینه تحقیق با انواع وجهه آشنا شدیم، لذا از تکرار آن خودداری می‌کنیم. با این حال لازم به یادآوری است که وجهه‌های سلبی و ایجابی جزو خواست و نیاز بنیادین هر فرد (face wants) است، اما غالباً طی روابطی که انسان‌ها در جامعه با یکدیگر دارند، نیازهای وجهه‌ای اشخاص تعامل‌کننده در مقابل هم قرار می‌گیرد و «تهدید وجهه‌ای» (face threatening acts = FTAs) رخ می‌دهد (براون و لوینسون، ۱۹۸۷؛ لیکاف). فروگذاری حقوق فردی موجب تهدید وجهه سلبی و رعایت نکردن تمایلات شخصیتی، کوچک شمردن محبوبیت و یا موفقیت‌های فرد باعث «تهدید وجهه ایجابی» او می‌شود. از آن‌جا که وجهه سلبی و ایجابی را می‌توان از دو بُعد گوینده و یا شنونده مطرح کرد، چهار جنبه مطالعاتی ایجاد می‌شود که مجموعاً «ادب زبانی» (linguistic politeness) می‌نامند (براون و لوینسون، ۱۹۸۷). نظریه ادب (Politeness theory) بررسی الگوهایی است که جهت جبران بی‌حرمی‌هایی به کار می‌آید که تهدیدات وجهه‌ای آن‌ها را ایجاد کرده است (فولی، ۱۹۹۷). تهدیدات وجهه‌ای ممکن است همراه با تعدیل‌گرها (softeners)، همراه تشدیدگرها (aggravators) و یا بدون تعدیل و تشدید (neither softened, nor aggravated)، یعنی «خنثی» (null) رخ بدهد. نشان‌گرهای زبانی این وجوه را مشخص می‌کنند (ریس میلر، ۲۰۰۰: ۸۳-۸۴). استراتژی‌های ادب زبانی به منظور زدودن و یا کاهش تهدیدات زبانی طراحی شده‌اند و به چهار گروه شکل صورت می‌پذیرند: مستقیم (on-record)، ایجابی (positive)، سلبی (negative) و ضمنی (off-record). بعلاوه، کنش مستقیم را می‌توان به همراه ابزارهای جبرانی یا بدون آن‌ها به کار گرفت. موقعیت گوینده و شنونده نسبت به یکدیگر در کنار فاصله اجتماعی گوینده و شنونده لزوم استفاده از این ابزارها را تعیین می‌کند (براون و لوینسون، ۱۹۸۷).

پیش از آن‌که به هم‌خوانی تحلیل رفتار متقابل و نظریات ادب زبانی بپردازیم، ضروری است با منبعی که شاهد-مثال‌های جستار حاضر را تأمین کرده آشنا شویم.

## ۲-۳ فیلم زندگی مشترک آقای محمودی و بانو

نویسنده این فیلم علی طالب‌آبادی است و به سال ۱۳۹۱ توسط روح‌الله حجازی (۱۳۵۸ ش. - آبادان) کارگردان و فیلم‌نامه‌نویس ایرانی ساخته شد. موضوع (subject) اصلی تقابل سنت و مدرنیته در جامعه ایران است که به صورت نمادین (symbolic) در خانه محمودی‌ها تصویر می‌شود. درون‌مایه (theme) اصلی «زن در جامعه» است و این

درون‌مایه‌ای است که محتوای داستان (content) را به سوی زن‌محوری (feminism) سوق می‌دهد. بن‌مایه (motif) اصلی را موقعیت جدید (new situation) شکل داده است. زمینه (setting) اصلی داستان یا موقعیت کلی رخدادها از ابعاد زمان و مکان وقوع، یک خانه قدیمی است که به بازسازی نیاز دارد. لحن (tone) داستان متغیر و بسته به شخصیت‌ها و موقعیت، اغلب محاوره‌ای و صمیمی و هم‌زمان کنایه‌آمیز است. داستان ضرب‌آهنگی (rhythm) تقریباً معمولی دارد. فضا و جو (atmosphere) حاکم بر داستان تناقض درونی (inner contradiction) و بدبینی (pessimism) برخی شخصیت‌هاست که با رخدادهایی جنبی تقویت می‌شود. دانای کل نمایشی (dramatic omniscient) دیدگاه اصلی (point of view) داستان را صورت بخشیده است. ایجاد و حفظ کشش دراماتیک (dramatic attraction) بر عهده تعلیق (suspense) حاصل از نامعلوم بودن پایان ماجراست. شخصیت (character) و شخصیت‌پردازی (characterization) جزو مهم‌ترین ابزارهای روایت (narration) است. در این داستان پنج شخصیت فعال (active character) و یک شخصیت غایب (absent character) شکل می‌دهند. شخصیت‌های اصلی قبلاً معرفی شدند. «متین» شخصیت غایب داستان است که دوست قدیمی رامتین و در ارتباط پنهان با ساناز است.

۱-۳-۲ خلاصه داستان (synopsis): آقای محمودی، محدثه و نگین خانواده‌ای سنتی هستند که در خانه‌ای قدیمی زندگی می‌کنند. مادر پیر محدثه اخیراً فوت کرده و محمودی تصمیم به بازسازی خانه گرفته است. ساناز و رامتین با خودرویی مدرن نزد آن‌ها می‌روند. رامتین خیلی مسن‌تر از ساناز است. آن‌ها معمار هستند و قرار است بازسازی خانه را بر عهده بگیرند. از این‌رو، بناست که چند روزی با خانواده محمودی زندگی کنند. رفتار راحت و بی‌احتیاط ساناز هم چون پا روی پا انداختن در حضور بزرگ‌ترها و سیگار کشیدن بر سر میز شام و سخنان او در دفاع از زندگی مدرن که شامل شوخی و بذله‌گویی با محمودی است، محدثه را ناراحت و نگران می‌کند. ساناز و رامتین طرحی برای اصلاح خانه می‌دهند که با نگرش مدرن آن‌ها تطابق دارد. آن‌ها با دیوارها مخالفند، اما محدثه مخالف است. نگین که دختری چهارده ساله است به شخصیت و نوع نگرش ساناز علاقه‌مند می‌شود، اما جانب احتیاط را از دست نمی‌دهد. وضعیت محمودی نیز تقریباً همین گونه است؛ او نیز سعی می‌کند با سخنان و رفتارهای خود تناقض درونی‌اش را پنهان کند. محمودی همسرش محدثه که خود را وقف زندگی و خانواده کرده، سرزنش و با کلفت‌ها مقایسه می‌کند.

به تدریج معلوم می‌شود که ساناز و رامتین یک زوج رسمی نیستند، بلکه ادعا می‌کنند که صیغه عقد موقت خوانده‌اند. رامتین هم در تناقضی بی‌پایان است، زیرا او دائماً از برخی ویژگی‌های زندگی سنتی و بعضی از خصوصیات زندگی مدرن دفاع می‌کند، اما بر همین سخنان خود هم استوار نیست. ساناز در رابطه پنهانی با متین، دوست قدیمی رامتین است. رامتین گمان می‌کند که دوستش به خاطر شکست عشقی که به تازگی تجربه کرده به ساناز پناه آورده تا به درد ددل او گوش کند، اما ماجرای بین آن‌ها بیش از این است. متین دائماً تلفن می‌زند و ساناز فقط در خلوت با او صحبت می‌کند. مشاجره رامتین و ساناز بالا می‌گیرد و شبانه قصد ترک کردن خانه محمودی را دارند. خانواده محمودی آگاه می‌شوند. ساناز و رامتین مشاجره را در حضور محمودی و بانو ادامه می‌دهند، حال آن که نگین به خواست پدر از حضور و شنیدن سخنان آن‌ها منع می‌شود. سپس معلوم می‌شود که متین و ساناز قرار گذاشته‌اند به ترکیه بروند و زندگی جدیدی را آغاز کنند. رامتین گذرنامه ساناز را که پنهان کرده بود به او می‌دهد، ولی ساناز به اطاقی خلوت رفته و ضمن گریه به خواب می‌رود. نهایتاً تصمیم بر این که ساناز به متین ملحق خواهد شد یا خیر بر عهده تماشاگر فیلم گذاشته می‌شود.

در این فیلم گفتگوهای (dialogue) که بین شخصیت‌ها رخ می‌دهد، گاهی از کودک، گاهی از والد و گاهی از بالغ آن‌ها نشأت می‌گیرد. مطالبی که بیان می‌شود تحت تأثیر تناقض آشکار نگرش سنتی و نگرش مدرن و تناقض نسبتاً پنهان درون هر شخصیت است. این امر شواهدی قابل توجه را برای مطالعه پیرامون ادب زبانی و هم‌خوانی آن

با آرای اریک برن فراهم آورده و از آن جا که آینه‌ای در مقابل تعاملات کلامی همسران است، ارزش اجتماعی قابل توجهی دارد. در ادامه گزارش تجزیه و تحلیل این گفتگوها را ملاحظه می‌کنیم.

### ۳. بحث

بررسی شواهد فیلم مزبور در بوتۀ هم‌خوانی تحلیل تراکنشی و نظریات ادب زبانی با هدف دست‌یابی به الگوهایی از روابط میان این دو حوزه و خصوصاً تشخیص تأثیر حالت فرد، اعم از کودک، والد و بالغ بر چگونگی به کارگیری زبان و کیفیت اتخاذ استراتژی زبانی و رغبت یا پرهیز از تهدید صورت می‌گیرد.

به منظور حفظ ایجاز و کارآمدی متن جستار حاضر، فهرست کامل شواهد و مراحل تجزیه و تحلیل هر مکالمه در پوشه‌ای به تحقیق پیش رو ضمیمه شده و نتایج مطالعه شواهد بر اساس راهبردهایی که در روش تحقیق بیان شد، از بابت نوع تهدید ایجابی یا سلبی که گوینده برای مخاطب ایجاد می‌کند با در نظر گرفتن حالت گوینده در جدول ش. ۱ آمده است. همچنین نتایج تجزیه و تحلیل گفتگوها از منظر استراتژی زبانی‌ای که به کار گرفته می‌شود تا شدت یا ضعف تهدید وجهه‌ای را رقم بزند، با در نظر گرفتن منشاء کودک، والد و بالغ گوینده در جدول ش. ۲ قرار گرفته است:

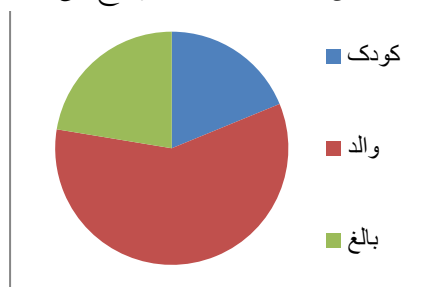
ردیف	نوع تهدید	حالت	نشان‌گر	بسامد	فراوانی
۱	ایجابی	کودک	IK	۱۶	۱۸,۸٪
۲	ایجابی	والد	IV	۵۰	۵۸,۸٪
۳	ایجابی	بالغ	IB	۱۹	۲۲,۴٪
۱	سلبی	کودک	SK	۵	۶,۳٪
۲	سلبی	والد	SV	۶۰	۷۶٪
۳	سلبی	بالغ	SB	۱۴	۱۷,۷٪

جدول ش. ۱: قیاس انواع تهدید با حالات سه‌گانه

ردیف	استراتژی ادب زبانی	منشاء تهدید زبانی در حالات سه‌گانه		
		کودک	والد	بالغ
۱	مستقیم	KM	VM	BM
۲	ایجابی	KI	VI	BI
۳	سلبی	KS	VS	BS
۴	ضمنی	KZ	VZ	BZ

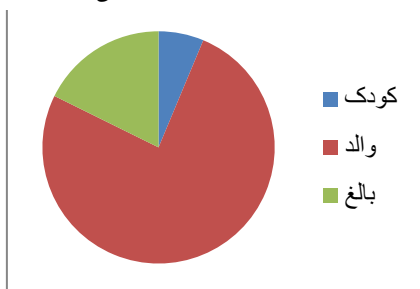
جدول ش. ۲: قیاس حالات سه‌گانه با استراتژی ادب زبانی

بررسی تهدیدزایی در مطابقت با حالت گوینده در جدول ش. ۱ نشان از آن دارد که تهدید ایجابی با منشاء کودک حدود ۱۸,۸٪ و با منشاء بالغ حدود ۲۲,۴٪ فراوانی دارد، در حالی که با منشاء والد این فراوانی به ۵۸,۸٪ می‌رسد. یعنی تهدید ایجابی در حالت والد گوینده بسیار بیش از دو حالت دیگر رخ می‌دهد (ن.ک. نمودار ش. ۳).



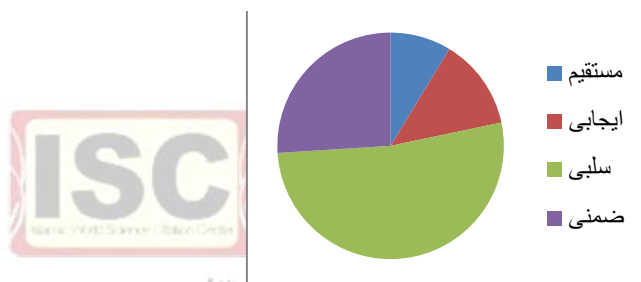
نمودار ش. ۳: تهدید ایجابی در حالات سه‌گانه

در مورد تهدید سلبی نیز جدول ش. ۱ نشان می‌دهد که تقریباً همین وضعیت حاکم است، زیرا حالت کودک با فراوانی ۶,۳٪ و بالغ ۱۷,۷٪ در مقایسه با حالت والد که ۷۶٪ موارد را شامل شده ملاحظه می‌شود (ن.ک. نمودار ش. ۴).



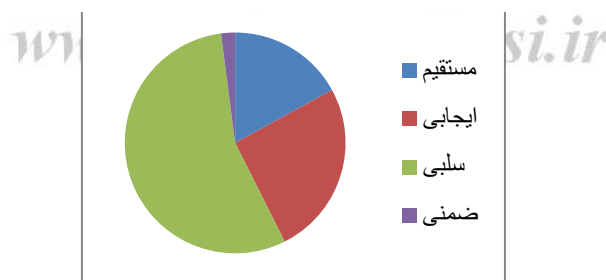
نمودار ش. ۴: تهدید سلبی در حالات سه‌گانه

همچنین جدول ش. ۲ نشان می‌دهد از بررسی استراتژی‌هایی که گوینده در حالات کودک، والد و یا بالغ خویش اتخاذ می‌کند تا سطح رعایت ادب زبانی خود را نسبت به شنونده تعیین کند می‌توان به روابط معناداری میان منشاء شخصیتی و وضعیت ادب زبانی افراد پی برد. نسبت‌ها حاکی از آن است که گوینده در حالت کودک بیش‌تر به ادب سلبی اقبال دارد، زیرا فراوانی ادب زبانی مستقیم ۸,۷٪، ادب زبانی ایجابی ۱۳٪، ادب زبانی سلبی ۵۲,۳٪ و ادب زبانی ضمنی ۲۶٪ است (ن.ک. نمودار ش. ۵).



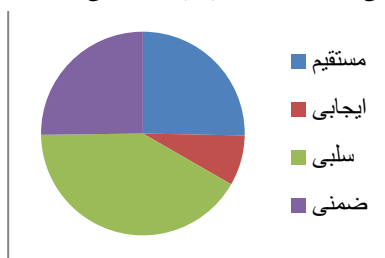
نمودار ش. ۵: حالت کودک و استراتژی‌های ادب زبانی

فراوانی انواع استراتژی ادب زبانی که در حالت بالغ به کار گرفته شده بدین صورت است: مستقیم ۱۰٪، ایجابی ۱۵٪، سلبی ۳۲,۵٪ و ضمنی ۴۲,۵٪ که به روشنی گرایش حالت بالغ به حفظ وجهه شنونده را نشان می‌دهد (ن.ک. نمودار ش. ۶).



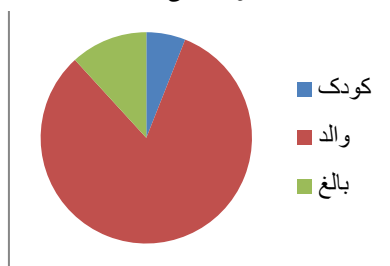
نمودار ش. ۶: حالت بالغ و استراتژی‌های ادب زبانی

حالت دیگر آن است که گوینده از منشاء والد شخصیت خویش سخن بگوید. در این صورت استراتژی مستقیم ۲۵,۳٪، استراتژی ایجابی ۸٪، استراتژی سلبی ۴۱,۵٪ و استراتژی ضمنی ۲۵,۲٪ فراوانی دارد (ن.ک. نمودار ش. ۷).



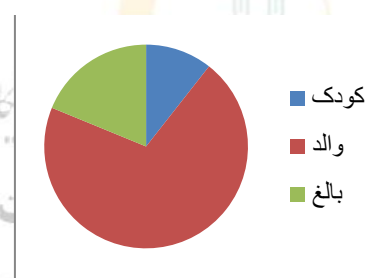
نمودار ش. ۷: حالت والد و استراتژی‌های ادب زبانی

از هم‌خوانی سه حالت فوق روشن می‌شود که شخصیت‌های فیلم مزبور در هر سه حالت کودک، والد و بالغ گرایش فزاینده‌ای به استفاده از ادب سلبی دارند. این آمار از یک منظر کلی گواه آن است که شخصیت‌های فیلم در هر سه حالت خود وجهه‌شنونده را رعایت می‌کنند. با وجود این، تفاوت بارز میان استفاده آن‌ها از استراتژی‌های ادب زبانی گواهی می‌دهد که گوینده در حالت والد بیش از سایر حالت به استفاده از استراتژی ادب مستقیم متمایل است. چنان‌چه اتخاذ استراتژی ادب زبانی مستقیم را در سه حالت کودک، والد و بالغ مقایسه کنیم معلوم می‌شود که فراوانی ادب مستقیم در حالت کودک تنها ۶٪ و در حالت بالغ ۱۱٫۸٪ است، حال آن‌که این فراوانی در شخصیت‌هایی که از منشاء والد سخن می‌گویند به ۸۲٫۲٪ می‌رسد (ن.ک. نمودار ش.۸).



نمودار ش. ۸: استراتژی مستقیم در حالات سه‌گانه

از آن‌جا که هرچه از ادب ضمنی به سوی ادب مستقیم پیش برویم، حفظ وجهه مخاطب کمتر رعایت می‌شود، می‌توان دریافت که هر گاه فرد از جایگاه والد با کسی مکالمه می‌کند کمتر به حفظ وجهه او اهمیت می‌دهد. نکته‌ای که نباید از آن مغفول ماند این است که به طور کلی در گفتگوهای این فیلم فراوانی حالت والد (۶٪، ۷۰) از دو حالت کودک (۶٪، ۱۰) و بالغ (۸٪، ۱۸) به مراتب بیش‌تر است (ن.ک. نمودار ش.۹).



نمودار ش. ۹: نسبت حالات سه‌گانه در فیلم

به عبارت دیگر، شخصیت‌های این فیلم بیش از هر حالتی، از منشاء والد شخصیت خویش با دیگران سخن می‌گویند. با در نظر داشتن این واقعیت، حال به روشنی می‌توان دریافت که حالت والد تا چه حد کمتر از سایر حالت به وجهه‌شنونده اهمیت می‌دهد و برعکس، حالت بالغ تا چه حد بیش از حالت والد به رعایت وجهه دیگران متمایل است.

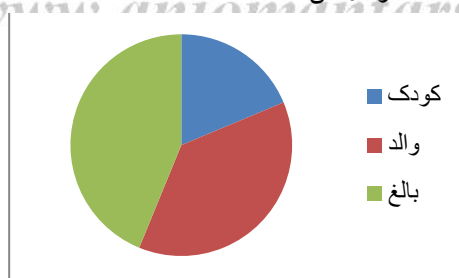
هم‌زمان مطالعه برخی مؤلفه‌های خاص آشکارساز روابط معنادار حالت فرد و وضعیت ادب زبانی اوست:

ردیف	ویژگی	بسامد کل	حالت	نشان‌گر	بسامد	فراوانی
۱	کاربرد هم‌زمان دو استراتژی ادب زبانی	۱۶	کودک	sk+ki+ks	۱	۱۸٫۷٪
			کودک	sk+ks+kz	۲	
			والد	sv+vs+vz	۳	۳۷٫۵٪
			والد	sv+vs+vi	۱	
			والد	iv+vs+vz	۲	

۴۳,۸٪	۶	ib+bs+bz	بالغ			
	۱	sb+bs+bz	بالغ			
۰٪	۰	-----	کودک	۳	کاربرد هم‌زمان دو نوع تهدید زبانی	۲
۱۰۰٪	۱	iv+sv+vs	والد			
	۱	iv+sv+vm	والد			
	۱	sv+iv+vm	والد			
۰٪	۰	-----	بالغ			
۷,۳٪	۱	K	کودک	۱۴	کاربرد تشدیدگر	۳
۸۵,۴٪	۱۲	V	والد			
۷,۳٪	۱	B	بالغ			
۰٪	۰	K	کودک	۱۸	کاربرد تعدیل‌گر	۴
۷۷,۸٪	۱۴	V	والد			
۲۲,۲٪	۴	B	بالغ			

جدول ش. ۳: بررسی مؤلفه‌های خاص

از جدول ش. ۳ می‌توان دریافت که کاربرد هم‌زمان دو یا چند استراتژی زبانی که معمولاً در راستای افزایش حفظ وجهه شنونده رخ می‌دهد، در حالت بالغ بیش از حالات والد و کودک است. گرچه بسامد این پدیده در حالت والد به مراتب بیش از حالت کودک است (ن.ک. نمودار ش. ۱۰).



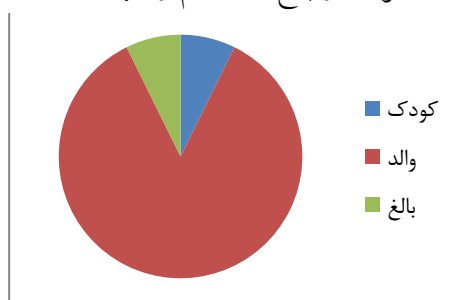
نمودار ش. ۱۰: کاربرد بیش از یک استراتژی در حالات سه‌گانه

آن چه این رای را تأیید می‌کند که شخصیت‌های فیلم در وضعیت والد کمتر به رعایت وجهه مخاطب خود اهمیت می‌دهند، توجه به بسامد ۱۰۰٪ به کارگیری تهدیدات سلبی و ایجابی توسط فرد واحد در لحظه واحد است. همه این شواهد فقط در حالت والد رخ داده‌اند (ن.ک. نمودار ش. ۱۱).



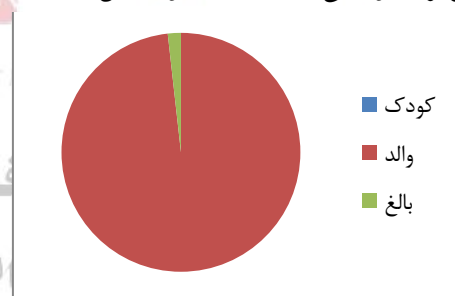
نمودار ش. ۱۱: به‌کارگیری هم‌زمان تهدید سلبی و ایجابی در حالات سه‌گانه

همچنین جدول ش. ۳ و نمودار ش. ۱۲ حاکی از آن هستند که ۸۵٫۴٪ تشدیدگرهای تهدید در حالت والد ملاحظه می‌شود، حال آن‌که فراوانی آن‌ها در حالت کودک و بالغ مانند هم و تنها ۷٫۳٪ است



نمودار ش. ۱۲: حالات سه‌گانه و تشدیدگرها

البته به این نکته نیز در جدول ش. ۳ توجه داریم که تعدیل‌گرها هم، با فراوانی ۷۷٫۸٪ برای والد، ۲۲٫۲٪ برای بالغ و ۰٪ برای کودک، در حالت والد بیش‌تر ظهور می‌کنند (ن.ک. نمودار ش. ۱۳).



نمودار ش. ۱۳: حالات سه‌گانه و تشدیدگرها

#### ۴- نتیجه‌گیری

جستار حاضر که بر بستر تحلیل شواهدی از فیلم «زندگی مشترک آقای محمودی و بانو» شکل گرفته نشان می‌دهد که بر اساس الگوی تحلیل تراکنشی اریک برن و نظریه ادب زبانی، میان حالات کودک، والد و بالغ گوینده با وضعیت ادب زبانی او رابطه معناداری وجود دارد، به نحوی که وجهه مخاطب در خودآگاه بالغ بیش از سایر حالات حفظ می‌شود. همچنین، آشکار می‌سازد که تهدید زبانی، چه از نوع ایجابی باشد و چه از نوع سلبی، در زبان شخصیتی که از منشاء والد سخن می‌گوید بیش از کسانی است که از منشاء کودک یا بالغ سخن می‌گویند.

از مطالعه تطابقی تحلیل تراکنشی و نظریه ادب زبانی بر مبنای فیلم مزبور که شخصیت‌های آن بیش‌تر از حالت والد سخن می‌گویند تا حالات بالغ و یا کودک، معلوم می‌شود که از یک منظر کلی، حفظ وجهه شنونده برای گویندگان موضوع معتبری است، زیرا گرچه بسامد استراتژی ضمنی در رتبه نخست نیست، استراتژی ادب سلبی با اختلاف قابل تأملی بیش از استراتژی مستقیم و ایجابی است. دلیل این امر را می‌توان در آن دانست که گفتگوها در محیط خانواده، بویژه یک خانواده ایرانی شکل می‌گیرد که زوج صاحب‌خانه گرایش روشنی به حفظ وجهه یکدیگر دارند.

همچنین روابط معناداری میان منشاء شخصیتی گوینده و استراتژی‌های ادب در زبان او وجود دارد. کسی که مبنی بر حالت کودک و یا والد خویش سخن می‌گوید بیش‌تر به استراتژی سلبی تمایل دارد، حال آن‌که وقتی شخصیت از منشاء بالغ سخن می‌گوید، به استراتژی ادب ضمنی گرایش دارد. از آن‌جا که حفظ وجهه‌شنونده با استراتژی ادب زبانی ضمنی بیش از استراتژی سلبی رعایت می‌شود، می‌توان دریافت که سخن گفتن بر مبنای بالغ بهتر و بیش‌تر وجهه‌شنونده را حفظ می‌کند. از سوی دیگر، استراتژی ادب زبانی مستقیم که به معنای عدم اقبال گوینده برای حفظ شأن‌شنونده است، در شرایطی که شخصیت از منشاء بالغ سخن می‌گوید بسیار بیش‌تر به کار گرفته می‌شود. به عبارت دیگر، حفظ وجهه مخاطب برای کسی که از وضعیت والد سخن می‌گوید، کمتر اهمیت دارد تا وقتی که سخن گفتن او از وضعیت کودک یا بالغ باشد.

مطالعه برخی مؤلفه‌های خاص روابط معناداری میان حالت فرد و وضعیت ادب زبانی او را آشکار می‌سازد. استفاده هم‌زمان از دو یا چند استراتژی ادب زبانی که معمولاً به منظور حفظ وجهه‌شنونده صورت می‌گیرد، در حالت بالغ بیش از حالات والد و کودک و بسامد این پدیده در حالت والد به مراتب بیش از حالت کودک است. از سوی دیگر، در تمام مواردی که تهدید سلبی و ایجابی هم‌زمان در بیان یک مطلب واحد به کار رفته، وضعیت والد حاکم بوده است. این واقعیت کاملاً هویدا می‌کند که شخص در حالت والد کمتر از حالا کودک و بالغ به وجهه مخاطب اعتنا دارد. مؤید این حکم آن است که در حالت والد تشدیدگرهای تهدید با اختلاف معناداری بیش‌تر از حالات کودک و بالغ به کار گرفته شده‌اند.

## منابع

- احمدوند، محمدعلی؛ شیما روستایی علی‌شاه. (۱۳۹۶)، «اثربخشی آموزش روش تحلیل رفتار متقابل بر بهزیستی روان‌شناختی و کیفیت زندگی زنان»، *مجله مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی*، دوره ۳، شماره ۱، بهار، صص ۱۶۷-۱۵۶.
- پورسیاه، فرخنده. (۱۳۹۵)، «ادب و ساز و کار وجهه در بافت فرهنگی-اجتماعی دانشگاهی در زبان فارسی: پژوهشی بر گفتار-کنش انتقاد»، رساله دکتری ادبیات فارسی، به راهنمایی نورالدین یوسفی، همدان: دانشگاه رازی.
- جهانگیری، نادر. (۱۳۸۷)، «گونه‌های احترام، سلطه و هم‌بستگی در زبان فارسی»، مجموعه مقالات: *زبان، بازتاب زمان، فرهنگ و اندیشه*، ج ۱، تهران: آگه، صص ۷۳۲-۷۱۳.
- خادم‌الفقرایی، مهوش و مسعود کیان‌پور. (۱۳۹۵)، «تحلیل گفتمان فیلم زندگی مشترک آقای محمودی و بانو با تمرکز بر داغ ننگ ناشی از تقابل سنت و مدرنیته»، *مجله زن در فرهنگ و هنر*، دوره ۸، شماره ۴، زمستان، صص ۴۵۲-۴۴۳.
- دانشمند گل‌آینه، مریم و همکاران. (۱۳۹۷)، «اثربخشی تحلیل رفتار متقابل بر رضایت زناشویی افراد دارای اختلاف زناشویی»، *مجله زن و مطالعات خانواده*، سال ۳، شماره ۴۱، پاییز، صص ۸۴-۷۳.
- دربانی، سیدعلی. (۱۳۹۸)، «اثربخشی تحلیل رفتار متقابل در مقایسه با خانواده‌درمانی راه‌بردی کوتاه مدّت بر تعارض‌های کلامی، غفلت و سوء رفتار زوجها»، *مجله روان‌شناسی کاربردی*، سال ۵، شماره ۵۱، پاییز، صص ۳۷۰-۳۴۸.
- دریکوند، زهرا. (۱۳۹۷)، «بررسی زبان‌شناختی بی‌ادبی کلامی در فیلم‌های سینمایی ایرانی (مطالعه موردی: فیلم‌های سینمایی اآآدت نمی‌کنیم و ابد و یک روز)»، *مجله زبان‌کاوی*، دوره ۱، بهار و تابستان، صص ۸۸-۷۱.
- رحمانی، حسین و همکاران. (۱۳۹۵)، «ادب و بی‌ادبی در رمان‌های نوجوانان فارسی زبان»، *مجله جستارهای زبانی*، دوره ۷، شماره ۵، پیاپی ۳۳، آذر و دی، صص ۹۰-۶۷.
- رحمانی، حسین و همکاران. (۱۳۹۴)، «بررسی تطبیقی ادب و بی‌ادبی در رمان طبقه هفتم غربی و فیلم بوی خوش زن»، *مجله ادبیات تطبیقی* (ویژه‌نامه فرهنگ‌ستان)، سال ۲، دوره ۶، شماره ۱۲، پاییز و زمستان، صص ۲۰۹-۱۸۶.
- رزی‌فام، حسین و همکاران. (۱۳۹۴)، «تحلیل رفتار متقابل جنبه بالغ و والد در شخصیت‌های داستانی مثنوی بر اساس نظریات اریک برن»، *مجله پژوهش‌نامه نقد ادبی و بلاغت*، سال ۴، شماره ۲، پاییز و زمستان، صص ۱۵۲-۱۳۳.



- رضی، احمد و سمیه حاجتی. (۱۳۹۱)، «تحلیل رفتار متقابل شخصیت‌ها در داستان شیر و گاو از کلیله و دمنه»، *مجله پژوهش‌های زبان و ادب فارسی*، دوره جدید، سال ۴، شماره ۱، پیاپی ۱۳، بهار، صص ۵۶-۳۹.
- رنجبر، محمود و همکاران. (۱۳۹۵)، «تحلیل جامعه‌شناختی نفثه‌المصدر بر اساس نظریه کنش متقابل نمادین»، *مجله جامعه‌شناسی تاریخی*، دوره ۸، شماره ۲، پاییز و زمستان، صص ۸۰-۶۱.
- سودانی، منصور و همکاران. (۱۳۹۱)، «اثربخشی آموزش تحلیل رفتار متقابل بر افزایش عمل‌کرد زوج‌های ناسازگار»، *مجله مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، سال ۱، شماره ۶، پاییز، صص ۲۸۷-۲۶۸.
- سودانی، منصور و همکاران. (۱۳۹۲)، «تأثیر آموزش تحلیل رفتار متقابل بر بهزیستی روان‌شناختی و خودشناسی زنان متأهل»، *مجله مشاوره کاربردی*، دوره ۱، شماره ۶، پاییز و زمستان، صص ۶۴-۵۱.
- صادقی، مسعود و همکاران. (۱۳۹۲)، «بررسی تأثیر آموزش به شیوه تحلیل رفتار متقابل بر سبک‌های عشق‌ورزی زوجین»، *مجله پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری*، سال ۳، شماره ۵، پاییز و زمستان، صص ۸۴-۷۱.
- صدیقی، سعیده و همکاران. (۱۳۹۵)، «اثربخشی گروه‌درمانی تحلیل رفتار متقابل بر بهبود الگوهای ارتباطی زوجین»، *مجله دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، سال ۴، شماره ۶۵، پاییز، صص ۴۴-۳۶.
- طیب، سیدمحمد تقی. (۱۳۸۱)، «ریشه‌های گفتمان‌شناسی در ادب پارسی»، *مجله مطالعات ملی*، سال ۴، شماره ۱۳، پاییز، صص ۶۸-۴۹.
- عطادخت، اکبر و همکاران. (۱۳۹۴)، «اثربخشی آموزش گروهی تحلیل رفتار متقابل در افزایش انعطاف‌پذیری شناختی و ارتقای عملکرد خانواده در زنان دارای اختلافات زناشویی»، *مجله شخصیت و تفاوت‌های فردی*، شماره ۸، تابستان، صص ۴۴-۲۵.
- عطایی، بهناز و حسن حیدری. (۱۳۹۶)، «بررسی اثربخشی آموزش روی‌کرد تحلیل رفتار متقابل بر تمایز خویشتن و عمل‌کرد خانواده در زوج‌های شهر اصفهان»، *مجله علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر*، سال ۱۱، شماره ۳، پیاپی ۳۸، پاییز، صص ۱۳۰-۱۰۹.
- علّامه، سیدفرید و همکاران. (۱۳۹۳)، «تأثیر آموزش گروهی تحلیل رفتار متقابل بر شادکامی مردان متأهل مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره و فرهنگ‌سراها»، *مجله پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری*، سال ۴، شماره ۱، بهار و تابستان، صص ۳۸-۲۵.
- فتوحی بناب، سکینه و همکاران. (۱۳۹۰)، «اثربخشی زوج‌درمانگری شناختی-رفتاری، اسلامی و تحلیل رفتار متقابل بر خودشناسی زوج‌های ناسازگار»، *مجله مطالعات روان‌شناختی*، دوره ۷، شماره ۲، تابستان، صص ۶۴-۳۷.
- قدسی، محدّثه و همکاران. (۱۳۹۳)، «بررسی متن‌نامه مسعود غزنوی به ارسلان‌خان در تاریخ بیهقی با روش تحلیل گفتمان انتقادی»، *مجله جستارهای ادبی*، دوره ۴۷، پیاپی ۱۸۴، شماره ۱، بهار، صص ۱۰۲-۷۱.
- لوبون، گوستاو. (۱۳۹۱)، *روان‌شناسی توده‌ها*، ترجمه کیومرث خواجوی‌ها، چ ۱، تهران: روشن‌گران و مطالعات زنان.
- نصرتی، مهرداد. (۱۳۹۱)، *شگردهای ادبیات مناظره: پژوهش بین‌رشته‌ای در استخراج نکات کاربردی ادبیات، زبان‌شناسی، روان‌شناسی و منطق در مباحثه، مصاحبه و سخنرانی*، چ ۱، کرمان: مؤلف.
- نوروزپور، الهام و همکاران. (۱۳۹۳)، «تأثیر آموزش تحلیل رفتار متقابل بر تعدیل کمال‌گرایی مادران با توجه به سبک فرزندپروری»، *مجله روان‌شناسی تربیتی*، دوره ۳، شماره ۳۳، پاییز، صص ۱۴۱-۱۲۹.
- نوشادی، شمسیه و هادی معتمدی. (۱۳۹۲)، «اثربخشی آموزش گروهی تحلیل رفتار متقابل بر افزایش رضایت زناشویی (زنان متقاضی طلاق شهر بیجار)»، *مجله رفاه اجتماعی*، سال ۱۵، شماره ۵۷، زمستان، صص ۹۴-۷۳.
- هریس، تامس. ای. (۱۳۸۹)، *وضعیت آخر*، ترجمه اسماعیل فصیح، چ ۱، تهران: فرهنگ نشر نو.

#### منابع خارجی

- Amouzadeh, Mohammad. (2001), "Politeness in Persian". *Language Forum*, 27, PP. 131-141.
- Clayman, Steven E. (2002), "Disagreements and third parties: dilemmas of neutralism in panel news interviews" *Journal of Pragmatics* 34, PP. 1385-1401.
- Eeelen, Gino (2001), *A Critique of Politeness Theories*, Manchester: St Jerome.
- Foley, William (1997), *Anthropological Linguistics: An introduction*, New York: Blackwell.
- Frijda, Nico H. (1986), *The Emotions*, London: Cambridge University Press.

- Goffman, Erving (1967), **Interaction Ritual: Essays on Face-to-Face Behavior**, New York: Pantheon Books.
- Harris, Sandra (2007), **Politeness and Power**, New York: Routledge Companion.
- Holder, R. W. (2003), **How Not to Say What You Mean: A Dictionary of Euphemisms**, London: Oxford University Press.
- Lakoff, Robin (1973), **The Logic of Politeness, or Minding Your P'S and Q'S**, Chicago: Linguistics Society.
- Rawson, Hugh (1995), **A Dictionary of Euphemism & Other Doublespeak**, 2<sup>nd</sup> Ed., London: Oxford University Press.
- Rees-Miller, J. (2000) "Power, Severity, and Context in Disagreement", **Journal of Pragmatics** 32, PP. 1087-1111.
- Spencer-Oatey, Helen (2008), **Culturally Speaking: Culture, Communication and Politeness Theory**, London: Continuum.



دهمین همایش ملی پژوهشهای زبان و ادبیات فارسی - دی ۱۳۹۹

[www.anjomanfarsi.ir](http://www.anjomanfarsi.ir)